

کوتاه کردن لباس

حیدر حب الله

ترجمه: سعید نورا

سوال^۱: آیا کوتاه کردن لباس - آن چنان که سلفی ها امروزه انجام می دهند - اصلی در شریعت دارند؟ این چنین شنیده ام که این موضوع نزد ما شیعیان نیز موجود است آیا این مطلب درست است؟

پاسخ: کوتاه کردن لباس - برای مردان نه زنان - با آن چه که در فقه اسلامی با عنوان «تشمیر الثوب» شناخته می شود نزد شیعه و اهل تسنن موجود است حر عاملی تقریباً باین را برای این موضوع در کتاب خود اختصاص می دهد. (تفصیل وسائل الشیعة ۵: ۳۸ - ۴۱).

در روایت اَبی بصیر آمده است: عن اَبی عبد الله علیه السلام قال: قال امیر المؤمنین علیه السلام: «غسل الثیاب یذهب الهمّ والحزن، وهو طهورٌ للصلاة، وتشمیر الثیاب طهور لها، وقد قال الله تعالی: وثیابک فطهر، اَی فشمّر».

^۱ حیدر حب الله، إضاءات فی الفكر والدين والاجتماع ۱: سوال ۱۳۳.

خبر معمر بن خالد، عن أبي الحسن، قال: «ثلاث من عرفهنّ لم يدعهنّ: جزّ الشعر، وتشمير الثوب، ونكاح الإماء».

و خبر عبد الله بن سنان، عن أبي عبد الله عليه السلام في قول الله عز وجلّ: وثيابك فطهر، قال: «فشمّر».

روایت سلمة بیاع القلانسی، قال: كنت عند أبي جعفر عليه السلام إذ دخل عليه أبو عبد الله، فقال أبو جعفر: «يا بني ألا تطهر قميصك؟» فذهب فظننا أنّ ثوبه قد أصابه شيء فرجع، فقال: «إنهنّ هكذا»، فقلنا: جعلنا فداك ما لقميصه؟ قال: «كان قميصه طويلاً، فأمرته أن يقصره: إنّ الله عز وجلّ يقول: وثيابك فطهر».

خبر معلى بن خنيس، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: «إنّ عليّاً عليه السلام كان... والله عز وجلّ يقول: وثيابك فطهر، قال: وثيابك ارفعها لا تجرّها، فإذا قام قائمنا كان هذا اللباس».

خبر عبد الرحمن بن عثمان، قال: قال أبو الحسن عليه السلام: «إنّ الله عز وجلّ قال لنبیه صلّى الله عليه وعلى آله: وثيابك فطهر، وكانت ثيابه طاهرة، وإنما أمره بالتشمير».

در حدیث الأربعمائة، عن علي عليه السلام قال: «.. تشمير الثياب طهور لها، قال الله تعالى: وثيابك فطهر، أي فشمّر...».

مقصود از تشمیر الثوب این است که به زمین نجسید بلکه کمی بالا گرفته شود و نکته ی اختلاف بین فقهاء در حدی است که لباس باید کوتاه شود بسیاری از فقهای مسلمان آن را تا نصف ساق دانسته اند ولی از برخی از روایات - مثل خبر عبدالله بن هلال - این گونه فهمیده می شود که تا کعبین یعنی بالای پا و اول ساق آن چنان که امروزه متعارف است می باشد.

در نگاه قاصر بنده، حکم کوتاه کردن لباس تنها حکمی طریقی است و هیچ موضوعیتی ندارد و استحبابی به طور خاص برای آن نیست. چرا که مفهوم از احادیث این است که «کوتاه کردن لباس» به عنوان تعبیری از تطهیر و نجس نشدن آن است و روایات بسیاری در ارتباط بین این مفهوم با آیه ی قرآنی مبنی بر تطهیر لباس آمده است. معنای این سخن آن است که عرب لباس را بلند و طولانی می کرد و پشت خود آن را می کشید - طبق تعبیر خبر معلى بن خنيس

- بنابراین لباس با زمین برخورد می کرد همانطور که برخی از زنان می پوشند و این امر موجب می شود قسمت پایان لباس به خاطر التصاق دائم با زمین کثیف و نجس شود در نتیجه دستور به کوتاه کردن لباس آمد تا پاکیزه تر باشد از این رو می بینید که چطور اغلب روایات پیشین بین کوتاه کردن لباس و موضوع طهارت ارتباط برقرار می کنند.

تطبیق ایده ی کوتاه کردن لباس در مورد آیه ی شریفه در نظر گرفتن طهارت را ضروری می کند. در غیر این صورت این احادیث منافی با ظاهر قرآن کریم خواهد بود یا این که این آیات را مباین با معنای ظاهری این تعبیر تفسیر می کند و این تنافی به وضوح از بین می رود وقتی به این نکته توجه کنیم که «تشمیر» (کوتاه کردن لباس) تعبیری از تحقیق طهارت در لباس است از این رو جزم به بیشتر از این در دلالت احادیث دشوار است و از آن استحباب - اگر نگوییم وجوب اگر مانع وجوب نباشد - محافظت انسان بر طهارت لباس به دست خواهد آمد.

این در سطح شیعی اما نسبت به مصادر حدیث سنی، ارتباط بین کوتاه کردن لباس و دراز نکردن لباس و نکشاندن لباس روی زمین با موضوع تکبر و خیلاء را می بینیم. از این رو در خبر هیجمی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آمده است: «وَأَتْتِرُ إِلَى نِصْفِ السَّاقِ، فَإِنَّ أَيْتَ فِإِلَى الْكُعْبَيْنِ، وَإِيَّاكَ وَإِسْبَالَ الْإِزَارِ؛ فَإِنَّ إِسْبَالَ الْإِزَارِ مِنَ الْمَخِيلَةِ، وَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَا يُحِبُّ الْمَخِيلَةَ» (مسند ابن حنبل ۵: ۶۴؛ سنن أبي داود ۲: ۲۶۵-۲۶۶). در خبر ابن عمر، قال: قال رسول الله صلى الله عليه وعلى آله وسلم: «الإسبال في الإزار والقميص والعمامة، من جرّ منها شيئاً خيلاء لا ينظر الله إليه يوم القيامة» (سنن النسائي ۸: ۲۰۸؛ ر.ك: صحيح مسلم ۶: ۱۴۷)، و دیگر احادیثی که بین دو این دو مفهوم ارتباط برقرار می کند.

از این رو، برخی از علمای اهل سنت با حمل نصوص مطلق بر مقید، تحریم را به حالت خیلاء تقیید زده اند (ر.ك: ابن حجر، فتح الباري ۱۰: ۲۲۴)، توجه به این نکته نیز ضروری است که برخی از روایات این مخصوص مختص به نماز هستند.